

Wednesday, August 07, 2019
10:10 AM

جنایات علیه بشریت در افغانستان با تأکید بر اقدامات تروریستی و عملکرد نظامیان آمریکایی

نایب‌علی اختری^۱

چکیده

جنایت علیه بشریت یکی از وحشتناک‌ترین و فجیع‌ترین جنایات مهم بین‌المللی است که افغانستان در طول تاریخ خویش همواره شاهد آن بوده است. از دوران حاکمیت عبدالرحمن گرفته تا سال‌های حکومت کمونیست‌ها و دوران مجاهدین و جنگ‌های بین احزاب و دوران حکومت سپاه طالبان در این کشور هزاران انسان قربانی جنایات ضد بشری شده‌اند. پس از برکناری طالبان علی‌رغم تصویب قانون اساسی دموکراتیک و شکل‌گرفتن نظام سیاسی جدید، روند حوادث بدان شکل که انتظار می‌رفت، ادامه پیدا نکرد. حضور نیروهای نظامی کشورهای خارجی به خصوص آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم نه تنها به شکست تروریسم منجر نشد، بلکه عملاً موجب گسترش روز افزون ناامنی شد. انتحار و کشتار مردم بی‌گناه توسط گروه‌های تروریستی از یک سو، حمله به غیر نظامیان و بمباران شهرها و دهات و قریه‌جات و ارتکاب جنایات متعدد نظیر قتل، شکنجه، تجاوز، آزار و بد رفتاری و... توسط نظامیان خارجی، به خصوص نظامیان آمریکایی، علیه جمعیت غیر نظامیان از سوی دیگر جریان دارد. پرسش اصلی این است ارتکاب چنین اقداماتی از چه وصف مجرمانه‌ای برخوردار است؟ تحقیق حاضر برای پاسخ به این پرسش با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی، به بررسی جنایات ارتکاب یافته توسط گروه‌های تروریستی و نظامیان آمریکایی پرداخته است که به صورت گسترده و سازمان یافته در پیشبرد اهداف گروه‌های تروریستی و اهداف و سیاست آمریکا علیه جمعیت غیر نظامیان صورت می‌گیرد، با توجه به ماده هفتم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جنایات علیه بشریت محسوب می‌شود و برای دیوان ایجاد صلاحیت می‌کند که در تعقیب و محاکمه عادلانه و منصفانه مرتکبان آن اقدام جدی نماید.

کلید واژه‌ها: جنایت علیه بشریت، کشتار، شکنجه، تجاوز.

۱. دانش‌پژوه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه‌المصطفی (ع) العالمية مشهد مقدس.

مقدمه

جنایت علیه بشریت یکی از وحشتناک‌ترین و فجیع‌ترین جنایات مهم بین‌المللی است که ابتدا در بند (C) ماده ۶ منشور محکمه نورنبرگ تعریف شد و سپس در بند (C) ماده ۵ منشور توکیو مورد اقتباس قرار گرفت.

قانون شماره ۱۰ کنترل هم با چند مورد تکمیلی از جنایات علیه بشریت سخن گفته است. در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا نیز جنایت علیه بشریت به عنوان یکی از جنایات مهم بین‌المللی محسوب شده است که قابل رسیدگی و باعث مسئولیت فردی مرتکبین آن می‌باشد. بالاخره، در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایات علیه بشریت مشتمل بر آن دسته از جنایات فهرست شده نظیر قتل، شکنجه، تجاوز و... که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و نظام‌مند با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیر نظامی با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابد، تعریف گردید.

افغانستان در طول تاریخ خویش همواره شاهد جنایات علیه بشریت بوده است. از دوران حاکمیت عبدالرحمن تا سال‌های حکومت کمونیست‌ها و دوران مجاهدین و جنگ‌های بین احزاب و دوران حکومت سیاه‌پالان در این کشور هزاران انسان قربانی جنایات ضد بشری شده‌اند. پس از برکناری طالبان علی‌رغم تصویب قانون اساسی دموکراتیک و شکل‌گرفتن نظام سیاسی جدید در افغانستان، روند حوادث بدان شکل که انتظار می‌رفت ادامه پیدا نکرد. حضور نیروهای نظامی کشورهای خارجی به خصوص آمریکا در این کشور به بهانه مبارزه با تروریسم نه تنها به شکست تروریسم منجر نشد بلکه عملاً موجب گسترش روز افزون ناامنی گردید.

انتحار و کشتار مردم بی‌گناه توسط تروریست‌ها از یک‌سو، حمله به غیر نظامیان و بمباران شهرها، دهات و قریه‌جات و ارتکاب جنایات متعدد نظیر قتل، شکنجه، تجاوز، آزار و بد رفتاری و... توسط نظامیان خارجی، به خصوص نظامیان آمریکایی از سوی دیگر که در پیشبرد اهداف گروه‌های تروریستی و اهداف و سیاست دولت آمریکا علیه جمعیت غیر نظامیان صورت می‌گیرد، هریک در نظام کیفری واجد وصف مجرمانه است. این نوشتار با توجه به ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری و با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی به تبیین جنایات ارتکاب یافته توسط گروه‌های تروریستی و نظامیان آمریکایی در افغانستان پرداخته است.

۱. مبانی نظری و تعریف جنایت علیه بشریت

واژه جنایات علیه بشریت هرچند به طور جسته و گریخته از قرن‌ها پیش مورد استفاده قرار می‌گرفت، ولی در شکل فعلی آن در سال ۱۹۴۸ میلادی، قتل عام ارامنه ترکیه در اعلامیه سه قدرت وقت (انگلستان، روسیه و فرانسه) جنایات علیه بشریت نامیده شد و مرتکبان آن را مسئول دانستند.

پس از جنگ جهانی دوم، این جنایات به عنوان یکی از سه دسته جنایات قابل تعقیب در بند (C) ماده ۶ منشور محکمه نورنبرگ تعریف شد. همین تعریف در بند (C) ماده ۵ منشور توکیو مورد اقتباس قرار گرفت. قانون شماره ۱۰ کنترل هم با چند مورد تکمیلی و یک تغییر اساسی از جنایات علیه بشریت سخن گفت. در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا نیز جنایت علیه بشریت به عنوان یکی از جنایات مهم بین‌المللی محسوب شده که قابل رسیدگی و باعث مسئولیت فردی مرتکبین آن می‌باشد.

نهایتاً در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز جنایت علیه بشریت به عنوان یکی از جنایات مهم بین‌المللی و قابل محاکمه و مجازات اعلام شد. به موجب بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایات علیه بشریت مشتمل بر آن دسته از جنایات فهرست شده ذیل به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و نظام‌مند با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیر نظامی با علم به آن حمله، ارتکاب می‌یابد:

۱. کشتار؛
۲. نابود سازی؛
۳. کار اجباری؛
۴. قاچاق اشخاص؛
۵. اخراج یا انتقال اجباری جمعیت؛
۶. زندان یا ایجاد هر شکل دیگر محرومیت شدیدی از آزادی جسمی که بر خلاف قواعد بنیاد حقوق بین‌الملل باشد؛
۷. شکنجه؛
۸. تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری و هر نوع خشونت جنسی مشابه با آنها؛
۹. آزار و اذیت هر گروه یا هر تجمع مشخص با علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی یا جنسی و هر عمل مندرج در این بند یا هر جنایت

مشمول صلاحیت دیوان بر اساس معیارهایی که در سطح جهانی به موجب حقوق بین‌الملل غیر قابل قبول شناخته شده‌اند؛

۱۰. ناپدید کردن اجباری (اشخاص)؛

۱۱. آپارتاید و سایر اعمال ضد انسانی مشابه که به قصد ایجاد رنج زیاد یا صدمه شدید به جسم یا سلامت جسمی یا روحی صورت پذیرد. (ایبگ‌زاده، ۱۳۷۷)

۲. شرایط جنایت علیه بشریت

برای اینکه اعمال یاد شده جنایت ضد بشریت محسوب شود، سه عامل در آن باید

لحاظ شود:

الف) حمله ضد جمعیت غیر نظامی

بخش الف) از بند ۲ ماده ۷ اساسنامه در تعریف «حمله ضد جمعیت غیرنظامی»

اعلام می‌دارد:

منظور رفتاری است که مشتمل بر ارتکاب چندین عمل از اعمال مذکور در بند (۱) ضد هر جمعیت غیرنظامی در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حمله‌ای صورت گرفته باشد.

عنصر «حمله» نحوه بر خوردی را بیان می‌کند که متضمن ارتکاب اقدامات خشونت بار است و شامل هر نوع بد رفتاری با جمعیت غیر نظامی می‌شود و می‌تواند در قالب فعل یا ترک فعل صورت گیرد. بنابر این «حمله» در اینجا الزاماً به معنای انجام عملیات نظامی نیست، لذا جنایات ضد بشریت می‌تواند در خارج از مخاصمات مسلحانه و در زمان صلح هم ارتکاب یابند.

منظور از جمعیت غیر نظامی افرادی هستند که نظامی نبوده یا اگر نظامی هستند در مخاصمه مسلحانه مشارکت ندارند و مشمول آن دسته از نظامیانی که سلاح‌های خود را به زمین گذاشته‌اند و دیگر در مخاصمات شرکت نمی‌کنند و اسرای جنگی نیز می‌شود. مهم نیست که غیرنظامیان تحت کنترل طرف خود یا جبهه مخالف باشند. جمعیت غیرنظامی به این معنی که کل جمعیت یک کشور یا کل سرزمین تحت تأثیر حمله قرار گیرد نیست، بلکه بر ماهیت جمعی این جنایت تأکید می‌کند. (گرهارد، ۱۳۸۷: ۶)



ب) گستردگی یا نظام‌مند بودن حمله

بند (۱) ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری می‌گوید حمله باید «گسترده» یا «سازمان یافته» باشد. منظور از «گسترده بودن» آن است که تعرض علیه جمع کثیری از قربانیان انجام شود. غرض از «سازمان یافتگی» تعرضی است که پیرو یک سیاست یا برنامه از پیش طراحی شده صورت می‌گیرد.

معیار گستردگی حکایت از عامل کمی دارد. ماهیت گسترده حمله ممکن است از شمار قربانیان احراز شود. معیار حمله «نظام‌مند» به طبیعت سازمان یافته اقدامات خشونت‌بار و بعید بودن احتمال رخداد تصادفی آن اشاره دارد. به موجب بند اول ماده اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، تنها کافی است یکی از معیارهای «گسترده بودن» و «نظام‌مند بودن» وجود داشته باشد. هم چنین لزومی ندارد که متهم شخصاً اعمال متعدد و گسترده‌ای مرتکب شده باشد، بلکه ارتکاب عمل واحدی از سوی وی، در صورتی که این عمل بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته باشد کفایت می‌کند. (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)

شق (الف) بند دوم ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مقرر می‌دارد که حمله به یک جمعیت غیرنظامی باید «در آماده یا پیشبرد یک سیاست کشوری یا سازمانی به منظور ارتکاب چنین حمله‌ای» انجام گیرد. واژه سیاست در مفهوم موسع به عنوان یک جنایت برنامه‌ریزی شده، هدفمند یا سازماندهی شده، غیر از اقدامات خشونت‌بار انفرادی خودجوش، تفسیر می‌شود. بنابر این لازم نیست که این سیاست به طور صریح یا واضح و دقیق بیان شود، همچنین ضرورتی ندارد که این سیاست در بین عالی‌ترین سطوح مقامات اتخاذ شده باشد. وجود عنصر سیاست را می‌توان از مجموع اوضاع و احوال استنباط کرد، وقایعی عینی، خط مشی‌ها و... از جمله دلایل محکمه‌پسند محسوب می‌شود؛ حتی قصور عمدی یک دولت یا سازمان می‌تواند نشانگر وجود یک سیاست باشد.

رکن مسئول این سیاست باید یک کشور یا یک سازمان و خلاصه، موجودیتی مشخص باشد. واژه «سازمان» گروه‌هایی از اشخاص را دربرمی‌گیرد که بر سرزمین مشخص حکومت می‌کنند یا در هر حال می‌توانند آزادانه در آنجا حرکت کنند. هر گروهی از افراد را می‌توان در زمره یک سازمان درآورد، مشروط به اینکه با در اختیار داشتن تجهیزات و پرسنل خود، قابلیت ارتکاب حمله گسترده یا نظام‌مند به یک جمعیت غیر نظامی را داشته باشند. علاوه بر واحدهای شبه نظامی، به خصوص می‌توان سازمان‌های تروریستی را نیز در این ردیف جای داد. (گرهارد، ۱۳۸۷: ۶۰)

ج) آگاهی به حمله

قسمت آخر بند(۱) ماده ۷ اساسنامه دیوان اشعار می‌دارد که علاوه بر اینکه حمله باید «گسترده» یا «سازمان‌یافته» و ضد «جمعیت غیرنظامی» انجام شود، مرتکب باید آگاه باشد که حمله «گسترده یا نظام‌مند» به یک جمعیت غیر نظامی در حال انجام است و اقدام وی بخشی از این حمله می‌باشد. با این همه، ضرورتی ندارد که مرتکب از جزئیات برنامه یا سیاست کشور یا سازمان مطلع باشد.

۳. ویژگی‌های جنایت علیه بشریت

جنایات علیه بشریت از زمره جنایات شنیع بین‌المللی است و از نظر همه افراد جامعه جهانی قبیح و مرتکب آن قابل سرزنش است. از این رو این جرائم از ویژگی‌های ذیل برخوردار است:

الف) ایجاد صلاحیت جهانی

جنایت علیه بشریت از آن اندازه اهمیت برخوردار است که در اسناد بین‌المللی، صلاحیت جهانی برای رسیدگی به این جرائم و محاکمه عاملان آن پیش‌بینی شده است. صلاحیت جهانی به این معنا است که متهم به جرائم یاد شده در هر جای دنیا که دستگیر شود، دولت‌ها مکلف هستند که یا او را محاکمه کنند و یا ترتیب استرداد او را به دادگاه صلاحیت‌دار دیگری که تصمیم به محاکمه او را دارد، فراهم نمایند. (علامه، ۱۳۸۰: ۷۲)

ب) عدم شمول مرور زمان

جنایات علیه بشریت به هیچ وجه شامل مرور زمان نمی‌گردد، به این معنا که بعد از هر مدتی که متهمان این جرائم شناسایی گردند، باید محاکمه شوند.

ج) لزوم پیش‌بینی جنایات علیه بشریت در قوانین داخلی

با توجه به میزان هولناکی این جرائم، بسیاری از کشورها در قوانین داخلی خویش نیز جرائم مزبور را گنجانده‌اند و به محاکمه عاملان این جرائم اشاره کرده‌اند و اعمال یاد شده را جرم شمرده‌اند.

در قانون اساسی افغانستان (مصوب ۱۳۸۲) بر حفظ آزادی و کرامت انسان تأکید شده و در ماده بیست و چهارم تصریح شده است: «کرامت انسانی از تعرض مصون است» و دولت بر «حمایت از آزادی و کرامت انسان» مکلف شده است. در این قانون، همچنین

به منظور رعایت حقوق بشر تأسیس کمیسیون مستقل پیش‌بینی شده است، تا موارد نقض حقوق بشر و جنایات علیه بشریت را به مراجع قانونی اعلام و در دفاع از حقوق آنها تلاش نماید.

باب دوم از کتاب دوم کد جزا مصوب ۱۳۹۶ نیز به جرائم علیه بشریت اختصاص یافته است و قانونگذار در فصل دوم این باب به ذکر جنایات علیه بشریت و مجازات آن پرداخته است، لذا هیچ تردیدی نیست که جنایت علیه بشریت یکی از جنایات مهم بین‌المللی است که از نظر جامعه بین‌المللی قابل اغماض و بخشش نیست.

۴. جنایات علیه بشریت در افغانستان

سرزمین افغانستان در طول تاریخ خویش همواره شاهد جنایات علیه بشریت بوده است. از دوران حاکمیت عبدالرحمن تا سال‌های حکومت کمونیست‌ها در این کشور هزاران انسان قربانی جنایات ضد بشری شده‌اند. نسل‌کشی‌های وسیع عبدالرحمن در هزاره‌جات، نسل‌کشی تاجیکان شمالی و کوه‌دامن توسط نادر خان و سیاه‌چال‌های او و شکنجه‌های وحشتناک حفیظ الله امین در زندان بلوچی کابل، تاریخ غم‌بار بشر در افغانستان را رقم می‌زند. (مناقبی، ۱۳۸۸: ۹۸)

تهاجم شوروی در این کشور، حداقل موجب کشته‌شدن یک میلیون نفر و ده‌ها میلیون مجروح گردید و بیش از پنج میلیون نفر دیگر آواره شدند و خرابی‌های اقتصادی و زیست محیطی طولانی مدت را پدید آورد. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۱: ۱۷)

در دوران مجاهدین و جنگ‌های بین احزاب نیز نقض وسیع حقوق بشر، شکنجه، تجاوز جنسی و بد رفتاری‌های دیگر با زنان رخ داده و بیش از ۲۵۰۰۰ از افراد غیر نظامی جان خود را از دست داده‌اند. یکی از جنایات شنیع این دوران، نسل‌کشی وسیع در جنگی که شبانگاه ۱۳۷۱/۱۱/۲۲ در افشار کابل واقع شد، به وقوع پیوست که در جریان آن، نیروهای دولتی و شورای نظار، حتی سینه‌های زنان را بریدند و کودکان را کشتند. (مناقبی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

در دوران حکومت سیاه‌طالبان (۱۳۸۰-۱۳۷۱) جنایات علیه بشریت به صورت گسترده و وسیع رخداد؛ از کشتار و نابودسازی در مزار شریف و بامیان گرفته تا تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت در دره شمالی و اخراج اجباری خانواده‌های شیعه و تاجیک از قندهار و اطراف آن؛ بازداشت و حبس افراد به صورت غیرقانونی، تعقیب و آزار مداوم افراد بنا به

دلایل سیاسی، نژادی مذهبی یا قومی، زندان‌های زنان، تجاوز جنسی و برده‌گیری جنسی زنان، ناپدیدسازی اجباری افراد، غارت اموال و امثال آن، بخشی از جنایات آنهاست. (علامه، ۱۳۸۰: ۷۳)

پس از برکناری طالبان، علی‌رغم تصویب قانون اساسی دمکراتیک و شکل‌گرفتن نظام سیاسی جدید، روند حوادث بدان شکل که انتظار می‌رفت ادامه پیدا نکرد. حضور نیروهای نظامی کشورهای خارجی به خصوص آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم نه تنها به شکست تروریسم منجر نشد، بلکه عملاً موجب گسترش روز افزون ناامنی گردید، به نحوی که امروزه غالب مناطق افغانستان در ناامنی به سر می‌برد.

از یک‌سو، گروه‌های تروریستی هر روز دست به کشتار گسترده و هدفمند علیه جمعیت غیر نظامیان می‌زنند و از سوی دیگر حمله به غیر نظامیان و مبارزان شهرها و روستاها، و ارتکاب جنایات متعدد نظیر قتل، شکنجه، تجاوز، آزار و بد رفتاری و... توسط نیروهای خارجی و به خصوص نظامیان آمریکایی، دل هر انسانی را به درد می‌آورد، به گونه‌ای که افغانستان را می‌توان سرزمینی برای «تراژدی حقوق بشر» دانست. گویا جانین ضد بشریت باهم پیمان بسته‌اند که یکی پس از دیگری در طول تاریخ، این فرایند دهشتناک را در این کشور ادامه دهند.

آنچه که چهره زشت‌تری به این جنایات می‌بخشد ارتکاب منظم و سازمان‌یافته آنها است که در پیشبرد اهداف گروه‌ها تروریستی و اهداف و سیاست دولت آمریکا، علیه جمعیت غیر نظامیان صورت می‌گیرد.

الف) اقدامات تروریستی و جنایات علیه بشریت

توسل به اعمال و اقدامات خشونت‌آمیز، موهن، تحقیرآمیز و ضد انسانی که از سوی گروه‌های تروریستی به شکل قتل و ترور افراد بی‌گناه، بمب‌گذاری در اماکن و وسائل عمومی، پرتاب بمب و خمپاره به صورت هدفمند و بعضاً کور و بی‌هدف به سوی اماکن و اهداف غیر نظامی، اقدام علیه هواپیماهای کشوری، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی و... نمود پیدا می‌کند، معایر با بسیاری از موازین بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و... است.

شاید برای نخستین‌بار «اعلامیه و برنامه عمل وین» که در کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید، خطرات تروریسم علیه حقوق بنیادین بشر را مورد

توجه قرار داد. متعاقب آن قطعنامه‌هایی با عنوان «حقوق بشر و تروریسم» از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در سال‌های گذشته صادر گردید. (مستقیمی، ۱۳۹۰: ۲۵۸) از سال ۲۰۰۱ بدین سو، افغانستان شاهد ارتکاب جنایات فجیع و وحشتناک گروه‌های تروریستی علیه جمعیت غیرنظامیان است. تهدید، اختطاف و گروگان‌گیری، زندان، شکنجه و آزار و اذیت جسمی و روحی افراد، حمله به مساجد و تکیه‌خانه‌ها و تیرباران افراد بی‌گناه، زنان و کودکان و سربریدن کودکان و افراد ملکی، در نتیجه کشتار گسترده غیر نظامیان از جمله جنایات آنها است که به صورت گسترده و هدفمند علیه جمعیت غیرنظامیان صورت می‌گیرد.

یکم) حمله به مساجد و عبادتگاه‌ها

حمله به مساجد و تکیه‌خانه‌ها، کشتار، اختطاف، تهدید، علما و رهبران دینی، بخشی از جنایات گروه‌های تروریستی است که در سال‌های اخیر گسترش یافته است. تنها در یک سال اخیر حملات انتحاری به صفوف نماز گزاران مسجد امام‌زمان علیه السلام در شهر کابل و مسجد جوادیه هرات و مسجد جامع هرات و حملات انتحاری در جریان مراسم عاشورا در زیارت کارته‌سخی شهر کابل و عزاداران اربعین حسینی در مسجد باقرالعلوم علیه السلام و مراسم احیای شب قدر در مسجد الزهراء علیه السلام واقع در غرب کابل، به کشته و زخمی شدن بیش از ۳۷۶ نفر به شمول زنان و کودکان شده است.

دفتر سازمان ملل متحد در کابل از اول جنوری ۲۰۱۶ تا هفتم نوامبر ۲۰۱۷، ۵۱ مورد حمله بالای مساجد و تکیه‌خانه‌ها را ثبت نموده که منجر به ۸۵۰ مورد تلفات افراد ملکی (۲۷۳ کشته و ۵۷۷ مجروح) شده است که این رقم تقریباً دو برابر میزان تلفات افراد ملکی ناشی از چنین حملاتی است که در جریان هفت سال (۲۰۰۹ الی ۲۰۱۵) به ثبت رسیده است. (دفتر سازمان ملل متحد در کابل، ۲۰۱۷)

کشتار، اختطاف، تهدید و ارباب علما و شخصیت‌های دینی نیز رو به گسترش است. از اول جنوری ۲۰۱۶ به بعد، ۲۷ مورد قتل‌های هدفمند شخصیت‌های دینی صورت گرفته که باعث ۵۱ مورد تلفات افراد ملکی (۲۸ کشته و ۲۳ مجروح) شده است. از اول جنوری ۲۰۱۷ بدین طرف، هشت مورد اختطاف رهبران و علمای دینی گزارش شده که در نهایت منجر به قتل دو تن آنها و مجروح شدن دو تن دیگر گردیده است. از اول جنوری ۲۰۱۶ تا کنون ۲۵ مورد حملات هدفمند، بر افراد ملکی به گمان اهداف نظامی،

داخل مساجد صورت گرفته که باعث کشته شدن ۲۸ فرد ملکی و مجروحیت ۱۵ تن دیگر شده است.

دوم) کشتار گسترده غیر نظامیان

گروه‌های تروریستی از سال ۲۰۰۱ بدین طرف، مرتکب کشتار فجیع و وحشتناک علیه جمعیت غیر نظامیان شدند. حمله بر تظاهرات صلح‌آمیز جنبش روشنایی در ۲۳ جولای ۲۰۱۶ و انفجار مرگبار بمب جاسازی شده در یک لاری (کامیون) نزدیک سفارت آلمان در کابل، تیر باران افراد ملکی در ولایت غور، کشتار دسته جمعی در روستای میرزا اولنگ ولایت سرپل و... بخشی از کشتار فجیع، وحشتناک و هدفمند گروه‌های تروریستی در دو سال اخیر است که منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ۱۱۱۳ نفر به شمول زنان و کودکان شده است.

طبق گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تنها میزان تلفات ناشی از حملات انتحاری افراد غیرنظامی در سال ۱۳۹۴ به ۳۲۱۴ نفر می‌رسد، در حالی که در سال ۱۳۹۳ رقم میزان تلفات ناشی از حملات انتحاری افراد غیر نظامی، ۱۴۲۴ نفر بوده است که این رشد دو برابر قربانیان حملات انتحاری را نشان می‌دهد. (کمیسیون مستقل حقوق بشر، ۱۳۹۴: ۱۶)

میزان تلفات افراد ملکی ناشی از حملات انتحاری و درگیری‌های مسلحانه در سال ۱۳۹۵ به ۱۰۶۰۸ نفر می‌رسد که از این میان ۵۸۸۱ نفر آنها مرد، ۱۱۳۷ نفر آنها زن و ۲۹۸۰ نفر آنها کودک بوده‌اند که در مقایسه با سال ۱۳۹۴ ۱۲،۴۸٪ افزایش را نشان می‌دهد. (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۶)

گزارش دفتر دادستانی دادگاه بین‌المللی کیفری نیز حکایت از تلفات ۴۵۰۰۰ نفر (۱۷۰۰۰ کشته و ۲۸۰۰۰ مجروح) بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۵ دارد که عمدتاً بر اثر حملات انتحاری و تروریستی کشته یا مجروح شده‌اند. (The Office of the Prosecutor of the International Criminal Court، ۲۰۱۶: ۴۳)

در تازه‌ترین گزارش دفتر سازمان ملل متحد در کابل، از جنوری سال ۲۰۰۹ تا ربع نخست سال ۲۰۱۷ آمار تلفات ملکی منازعات مسلحانه و حملات انتحاری به ۸۳۵۱۷ نفر می‌رسد که از این میان ۲۹۱۴۰ نفر کشته و ۵۴۳۳۷ مجروح شده‌اند و بیش از ۶۰٪ این تلفات منتسب به گروه‌های تروریستی است. (دفتر سازمان ملل متحد کابل، ۲۰۱۷)

گروه‌های تروریستی علاوه بر کشتار گسترده غیر نظامیان، مرتکب جنایات متعدد دیگر نظیر زندان، شکنجه آزار و اذیت جسمی و روحی و... به صورت گسترده و هدفمند علیه جمعیت غیر نظامیان شدند که با توجه به بند هفتم اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری جنایات علیه بشریت محسوب می‌شود و برای دیوان، ایجاد صلاحیت می‌کند که در تعقیب و محاکمه عادلانه مسببان آن اقدام جدی نماید.

ب) اقدامات نظامیان آمریکایی و جنایت علیه بشریت

در ادامه، برخی از اقدامات ارتکاب‌یافته توسط نظامیان آمریکایی در افغانستان، نظیر کشتار، شکنجه، تجاوز و... که از رسانه‌ها اعلام شده و در اسناد بین‌المللی ثبت شده است، با توجه به بند هفتم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکم) کشتار

در بخش (الف) بند اول ماده هفتم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، قتل عمد گنجانده شده است، همچنان که به طور صریح در کلیه نظام‌های حقوق ملی تعریف شده است؛ یعنی مرتکب با رفتار خود موجب مرگ دیگری شده باشد. از نقطه نظر شخصی (فاعلی) کافی است مرتکب بی‌توجه به حیات انسانی، موجب ایراد صدمه جدی به قربانی شود، پس این مفهوم نه تنها کشتن مستقیم بلکه مواردی را نیز در بر می‌گیرد که متهم با ایجاد شرایطی که معمولاً به مرگ فرد می‌انجامد، مسبب مرگ قربانی می‌شود.

نظامیان آمریکایی در افغانستان مسبب مرگ صدها انسان بی‌گناه شده و کشتارهای متعددی را رقم زدند. با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از حملات هوایی توسط نیروهای آمریکا انجام می‌گیرد، این حملات هر روز به کشته و زخمی شدن و بی‌خانمانی مردم بی‌گناه می‌انجامد. (جف نیگارد، ۱۳۸۶: ۶۵) حمله هوایی نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۵ به بیمارستان پزشکان بدون مرز در قندوز، منجر به کشته شدن ۴۲ نفر از جمله کادر درمانی آن بیمارستان بیمار شد (گزارش دادگاه لاهه، ۲۰۱۵: ۲۹) که این حمله باعث نارضایتی گسترده در سطح بین‌المللی شد. در بیانیه هیئت سازمان ملل که به منظور بررسی ابعاد این کشتار به محل اعزام شده بود، آمده است که بسیاری از کشته‌ها را کودکان و زنان تشکیل می‌دهند.

هر چند در ابتدا نیروهای آمریکایی این حمله را یک اشتباه انسانی قلمداد کردند، اما پزشکان بدون مرز اظهارات نیروهای آمریکایی مبنی بر اشتباهی بودن حملات بر بیمارستان را با شک و تردید نگریستند و اظهار کردند که تصور اشتباهی بودن آن حمله دشوار است تا اینکه وزارت دفاع آمریکا در اردیبهشت ۱۳۹۵ اعلام کردند که پس از بررسی چگونگی حمله هوایی بر بیمارستان پزشکان بدون مرز ۱۶ نفر از سربازان خود را شناسایی نموده و آنها را به دلیل سهل‌انگاری در حمله، مورد مجازات انضباطی قرار می‌دهد. (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۴: ۲۴)

حمله هوایی نظامیان آمریکا در ولایت کنر ولسوالی شیگل قریه سنوشتن در تاریخ ۱۶ فروردین (حمل) ۱۳۹۲ مصادف با ۶ اپریل ۲۰۱۳، منجر به کشته شدن ۱۲ طفل و ۶ زن و یک مرد و زخمی شدن ۱۲ فرد دیگر به شمول اطفال و زنان می‌شود. (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۲: ۲۴) در اثر بمباران ساحه قریه دیکه مالی ولسوالی الینگار ولایت لغمان توسط نظامیان آمریکایی در تاریخ ۲۶ سنبله ۱۳۹۱، هشت کودک و زن کشته شدند و هشت نفر دیگر از زنان و اطفال زخمی شدند. (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۱: ۷)

بر اساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تنها در سال ۱۳۹۴ تعداد ۱۸۴ نفر از افراد ملکی بر اثر حملات هوایی نیروهای خارجی کشته شدند که این نسبت به سال گذشته نشان از افزایش چند درصدی می‌دهد. رقم کشته شده‌های افراد ملکی بر اثر حملات هوایی نیروهای خارجی در سال قبل این گزارش (۱۳۹۳) تعداد ۱۱۴ نفر بوده است که میزان رشد تلفات افراد ملکی را بر اثر حملات هوایی نیروهای خارجی نشان می‌دهد. (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۴: ۲۴)

طبق گزارش دفتر سازمان ملل در کابل تلفات افراد ملکی حملات و هوایی نظامیان خارجی در سال ۲۰۱۶ در افغانستان به ۵۹۰ نفر (۲۵۰ کشته و ۳۴۰ زخمی) می‌رسد که تقریباً دو برابر افزایش را نسبت به ارقام سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد. (دفتر سازمان ملل متحد در کابل، ۲۰۱۶)

در ربع نخست سال ۲۰۱۷ از مجموع تلفات افراد ملکی (۵۶۰ کشته و ۱۰۱۸ مجروح) ۴۶۶ مورد تلفات افراد ملکی (۲۰۵ کشته و ۲۶۱ مجروح) در اثر حملات هوایی بوده که حدود ۵۲٪ افزایش در تلفات افراد ملکی توسط حملات هوایی را در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد.

در پرونده مشهور به کشتار قندهار، در صبح ۱۱ مارس سال ۲۰۱۲ در شهرستان پنجوایی استان قندهار یک سرباز آمریکایی به نام رابرت بیلز هفده غیرنظامی افغان را با تیراندازی مستقیم کشت و اجساد آنان را به آتش کشید.

(<http://parstoday.com/fa/asia-i۲۲۰۸۷>)

در نیمه اول سال ۲۰۱۰، عده‌ای از سربازان آمریکایی در افغانستان برای تفریح، دست‌کم چهار غیرنظامی افغان را کشتند و اعضای بدن برخی از آنها را جدا کردند. جسد کودک ۱۵ ساله افغان که توسط گروهی در ارتش آمریکا موسوم به «تیم قتل» کشته شد، اعضای این تیم بعدها در دادگاه مقصر شناخته و محکوم شدند، اما ارتش آنها را تبرئه کرد. (<http://www.yjc.ir/fa/news/۵۵۸۵۵۷۵>)

سوزاندن اجساد کشته‌شدگان آن هم در برابر دوربین خبرنگاران از دیگر جنایاتی است که سربازان آمریکایی مرتکب شدند. (سر افراز، ۱۳۹۰: ۲۰)

در بسیاری موارد نیروی‌های آمریکایی هنگام تردد کاروان وسایل نقلیه‌شان به فیر(شلیک) سلاح متوسل شده‌اند. طبق گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر در سال ۱۳۹۲ تعداد افراد ملکی که به واسطه فیر مستقیم نیروهای آمریکایی کشته شده‌اند به ۱۶ نفر و آمار زخمی‌ها به ۱۰ تن می‌رسد و رقم کشته شده‌های سال ۱۳۹۱، برابر ۱۳۳ نفر ثبت شده است. (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۲: ۲۵) این رقم در شش ماه اول ۱۳۹۰، برابر با ۳۳ تن بوده است. (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۱: ۹)

تصاویر تکان‌دهنده منتشر شده از ارتش آمریکا در افغانستان نشان می‌دهد که نظامیان آمریکایی پس از کشتن غیر نظامیان افغان و مثله کردن آنها عکس یادگاری می‌گیرند. سرباز آمریکایی به نام «اندرو هولمز» با پسر ۱۵ ساله‌ای که «تیم قتل» کشته‌اند عکس یادگاری گرفته است. گزارش دفتر سال سازمان ملل در کابل، از سال ۲۰۰۹ تعداد شهروندان کشته شده توسط نیروهای خارجی را که عمدتاً توسط نظامیان آمریکایی صورت گرفته است ۳۵۰۰ نفر اعلام نموده است (The Office of the Prosecutor of

'Criminal Court the International' ۲۰۱۵)

این موارد برخی از پرونده‌های کشتار سربازان آمریکایی است که از رسانه‌ها اعلام شده است یا در مدارک بین‌المللی ثبت شده است. آنچه بر شدت این جنایات می‌افزاید، گستردگی و سازمان یافتگی آن است که در پیشبرد اهداف و سیاست آمریکا علیه جمعیت

غیر نظامیان از سوی سربازان آن کشور صورت می‌گیرد که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

دوم) زندان و شکنجه

بخش (هـ) بند اول ماده ۷ اساس نامه دیوان بین‌المللی کیفری ناظر بر «زندان یا سایر محرومیت‌های شدید از آزادی، جسمانی همراه با نقض قواعد بنیادی حقوق بین‌الملل» است.

این بند از اساسنامه مقرر می‌دارد که مرتکب یک یا چند نفر را زندانی کرده باشد یا آنها را از آزادی رفت‌وآمد محروم سازد. واژه زندان از نظر لغوی مواردی را در بر می‌گیرد که یک شخص در فضای بسته «محبوس باشد» و به همین دلیل از جابه‌جایی و حرکت به مکانی دیگر بازداشته شود یا به عنوان محرومیت‌های شدید از آزادی جسمانی در منطقه مشخصی مثلاً داخل یک محله یا اردوگاه متمرکز رفت‌وآمد کند.

شکنجه به عنوان یکی از جنایات علیه بشریت مشمول بخش (و) بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری قرار می‌گیرد. به موجب این مقرر «شکنجه به معنی ایراد عمدی درد یا رنج جسمی یا روحی بر متهمی است که در بازداشت یا تحت کنترل است. به استثنای اینکه شکنجه نباید شامل درد یا رنجی گردد که در ذات مجازات‌های قانونی یا لازمه آنها است». معیار عینی شکنجه به عنوان یک جنایت علیه بشریت عبارت است از ایراد درد یا رنج شدید جسمی یا روحی.

هر چند تشکیل یک فهرست کامل از اعمال شکنجه میسر نیست، ولی رفتاری‌های زیر که ممکن است فعل مثبت یا ترک فعل باشد، تحت عنوان جرم شکنجه طبقه بندی می‌شوند:

۱. کشیدن دندان؛
۲. کشیدن ناخن؛
۳. انگشتان دست و پا؛
۴. شوک الکتریکی به بخش‌های حساس بدن؛
۵. دمیدن در گوش به نحوی که موجب پاره‌شدن پرده گوش شود؛
۶. شکنجه استخوان‌ها؛
۷. سوزاندن بخش‌هایی از بدن؛

۸. اسید پاشی به چشم یا سایر قسمت‌های حساس بدن؛
 ۹. آویزان کردن از تیرک، نگه‌داشتن زیر آب تا جایی که علائم خفه‌شدگی نمایان شود؛

۱۰. بستن بینی و دهان که موجب خفگی شود؛

۱۱. پایین آوردن شدید دمای بدن با یخ‌سازهای قوی؛

۱۲. استفاده از دارو(موارد روان‌گردان)؛

۱۳. ندادن غذا و آب و ممانعت از به خواب رفتن؛

۱۴. تجاوز جنسی.

قانون اساسی افغانستان نیز، شکنجه را ممنوع دانسته است. در ماده ۲۹ آمده است: تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

اعمال خشونت و شکنجه توسط نظامیان آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر در گوانتانامو، در اواخر ماه آوریل ۲۰۰۴ و ارتکاب رفتارهای شرم‌آور علیه بازداشت‌شدگان زندان ابوغریب، بار دیگر زشتی شکنجه را نزد جهانیان آشکار کرد و واکنش‌های بین‌المللی را برانگیخت و به خصوص اعتراض گسترده و مداوم مجامع حقوق بشر و حقوقدانان را به دنبال آورد.(رنجبریان، ۱۳۸۴: ۱۹۵)

بازداشت خود سرانه و زندانی کردن افراد مظنون به اقدامات تروریستی بدون محاکمه، از نمونه‌های نقض حقوق بشر آمریکایی‌ها محسوب می‌شود.(حبیبی، ۱۳۹۳: ۱۴)

سازمان عفو بین‌الملل نیز از نقض حقوق بیش از ۱۰۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان ملیت‌های خارجی پس از حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا و وضعیت بازداشت‌شدگان در افغانستان و انتقال بیش از ۳۰۰ تن از آنها در گوانتانامو ابراز نگرانی نمود. Amnesty (International: ۲۰۰۲،

قضیه سید عباسی که در افغانستان راننده تاکسی بود نمونه‌ای از این مدعی است. او در آوریل ۲۰۰۲ در گردریز بازداشت شد. از شانس بدش چندین مسافر عضو طالبان را از کابل به شهر خوست برده بود. پس از بازداشت، او در پایگاه بگرام و در پایگاه دیگری در قندهار تحت بی‌خوابی، بازجویی‌های مکرر و غل و زنجیر شدن قرار گرفت. او به هیچ

دادگاه یا وکیلی که به موجب مقررات کنوانسیون سوم ژنو مقرر شده است، دسترسی نداشت. پس از انتقال به گوانتانامو تقریباً یک سال نیز در محل زندانی بود. در ۱۰ ماه آخر حتی از او بازجویی هم نشد، او در آوریل ۲۰۰۳ بدون هیچ محاکمه یا اتهامی آزاد شد. صدمات بسیاری به زندگی او و اعضای خانواده‌اش وارد شد، امری که در صورت رعایت استانداردهای حقوق بشری بین‌المللی و حقوق بشر دوستانه رخ نمی‌داد. معلوم نیست که چه تعداد موارد مشابه قضیه فوق در نتیجه «منطقه آزاد حقوق بشری» گوانتانامو رخ داده است. شواهد نشان می‌دهد شرایط زندان گوانتانامو که هیچ مرجع نظارتی بیرونی بر آن وجود ندارد، ناقض استانداردهای بین‌المللی است. بر اساس گزارش‌های رسیده از سوی زندانیان آزاد شده، از زندانیان مکرراً بازجویی شده و آنها تحت روش‌هایی قرار می‌گیرند که هدف آن خرد کردن و تحقیر آنهاست. از جمله این روش‌ها نگهداشتن در محیطی پُر نور به مدت ۲۴ ساعت، محرومیت از خواب و ایستاده نگاه داشتن به مدت طولانی است. زندانیان همچنین در قفس‌های تنگ و سلول‌های کوچک نگهداری می‌شوند و از ورزش کافی بی‌بهره‌اند، امری که ناقض هنجارهای بنیادین حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه است. (پل‌هافمن، ۱۳۸۵: ۱۴۵)

نظامیان آمریکایی با اقدام به ایجاد زندان‌های خصوصی در نقطه‌های مختلف افغانستان، در بازجویی از افراد بازداشت‌شده، مرتکب شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه و خشونت‌بار علیه کرامت انسانی شدند که ارتکاب چنین رفتاری با استفاده از روش‌های بی‌رحمانه و خشونت‌آمیز علیه بازداشت‌شدگان بخشی از تکنیک‌های است که در پیروی از سیاست و اهداف دولت آمریکا در به دست آوردن اطلاعات از بازداشت‌شدگان صورت می‌گیرد. این موارد علاوه بر اینکه جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، تحت بند ۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری به عنوان جنایت جنگی نیز قابل محاکمه و مجازات است.

طبق گزارش دفتر دادستانی دادگاه بین‌المللی کیفری، نظامیان آمریکایی بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ میلادی، مرتکب شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه و خشونت‌بار علیه حداقل ۶۱ زندانی در افغانستان شدند. سازمان اطلاعاتی CIA نیز ۲۷ زندانی را بین همین سال‌ها مورد شکنجه قرار داده است. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که قربانیان عمداً به طور ظالمانه و وحشیانه در مدت زمان طولانی مورد خشونت فیزیکی و روانی

قرار می‌گرفته‌اند. The Office of the Prosecutor of the International Criminal Court: ۲۰۱۶ (Court: ۲۰۱۶)

شکنجه زندانیان در افغانستان در زندان‌های مخفی و آشکار از جمله زندان بگرام یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های حضور آمریکا در افغانستان است که همواره مورد انتقاد نهادهای حقوق بشری قرار گرفته است. نیروهای آمریکایی هیچ‌گاه به نهادهای افغان اجازه ندادند از این زندان بازدید کنند و صلیب سرخ جهانی نیز به طور محدود اجازه بازدید پیدا کرد.

سو) تجاوز جنسی

بخش (ز) بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، به تجاوز جنسی می‌پردازد. عنصر مادی مستلزم تهاجم مرتکب به جسم قربانی است که باید منجر به دخول شود. از این تعریف، چنین فهمیده می‌شود که جنسیت نقشی نداشته و چه مردان و چه زنان می‌توانند قربانیان تجاوز جنسی قلمداد شوند. تجاوز جنسی فقط شامل رابطه جنسی اجباری نیست (دخول آلت مردانه در آلت زنانه) این جرم شامل رفتار جنسی مربوط به وارد کردن آلت جنسی مرتکب به سایر مدخل‌های بدن است (دخول در دهان، مهبل یا مقعد)

سرانجام اینکه وارد کردن سایر بخش‌های بدن مرتکب یا اشیاء در آلت یا سایر بخش‌های بدن زنان هم مشمول تعریف جنایت تجاوز جنسی می‌شود. تعریف این جرم شامل مستلزم استفاده از خشونت یا تهدید به خشونت یا زور نیز می‌شود. نظامیان آمریکایی در جریان عملیات‌های خود بارها مرتکب جنایت تجاوز جنسی علیه زنان شده‌اند. چنان که در گزارش دفتر دادستانی دادگاه بین‌المللی کیفری نیز به آن اشاره شده است. به عنوان نمونه می‌توان به تجاوز نظامیان آمریکایی در روستایی در منطقه چار بولک واقع در ولایت بلخ افغانستان در تاریخ یکشنبه ۱۲ قوس ۱۳۹۱ اشاره کرد.

<http://www.afghanirca.com/newsIn.php?id>

انتشار این جنایت خشم مردم مسلمان این کشور را برانگیخت به طوری که مردم افغانستان با برپایی تجمعات اعتراض‌آمیز خواهان محاکمه مرتکبان این جنایات شدند. با توجه به سانسور خبری شدید محافل غربی دور از انتظار و واقعیت نیست که بسیاری از ابعاد جنایات نظامیان آمریکایی در افغانستان بیشتر از آن چیزی باشد که از رسانه‌ها

اعلام شده و در اسناد و مدارک بین‌المللی ثبت شده است. بنابر این ضروری است تحقیقات منصفانه و همه‌جانبه از طرف دادگاه بین‌المللی کیفری و نهادهای حقوق بشری صورت بگیرد. این تحقیقات بسیاری از ابعاد جنایات هولناک نظامیان خارجی به ویژه نیروها آمریکایی را برای افکار عمومی جهان روشن خواهد کرد و نتایج این تحقیقات قطعاً منجر به صدور حکم و بازداشت بسیاری از مقام‌های ارشد آمریکایی خواهد شد.

هرچند آمریکا مدعی است که بررسی جنایات ارتکاب یافته توسط شهروندان آن کشور در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نیست و قوانین آن شامل شهروندان آن کشور نمی‌شود، زیرا این کشور پیمان رم را تصویب و امضاء نکرده است، اما این ادعا مردود است به دلیل اینکه افغانستان در سال ۲۰۰۳ پیمان رم را تصویب نموده و این بدان معنا است که این دیوان صلاحیت بررسی دربارهٔ همهٔ جنایات مرتکب شده تحت صلاحیت دیوان در خاک این کشور یا توسط اتباع آن را دارد. علاوه بر آن، ارتکاب جنایات چون جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت، از دسته جنایات ذاتی بین‌المللی است که موجب اضطراب جامعه بین‌الملل شده و وجدان بشریت را به درد می‌آورد، بنابراین برای دیوان ایجاد صلاحیت می‌کند که به بررسی این جنایت و تعقیب مرتکبین آن اقدام جدی نماید. (کوهستانی، ۱۳۹۵)

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد با توجه به ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایات ارتکاب‌یافته نظیر کشتار، زندان، شکنجه و تجاوز و... که توسط گروه‌های تروریستی و نظامیان آمریکایی علیه غیرنظامیان به صورت گسترده و سازمان‌یافته در افغانستان صورت گرفته است، جنایات علیه بشریت محسوب می‌شود و برای دیوان ایجاد صلاحیت می‌نماید که در تعقیب و محاکمه عادلانه و منصفانهٔ مرتکبان آن اقدام جدی نماید.

منابع و مأخذ:

- ایبگ زاده، ابراهیم (زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷) «بررسی جنایت نسل کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، ش ۲۱ و ۲۲.
- احمد آبادی کوهستانی (۱۳۹۵) جزوه درسی جزای بین‌الملل. مشهد: جامعه المصطفی ﷺ العالمیه.
- جف نیگارد، (آبان ۱۳۸۶) «ناگفته‌های جنگ در عراق و افغانستان»، مجله سیاحت غرب، ش ۵۲.
- حبیبی، سید مهدی، عباسی، مجید و بابک مشهدیان (۱۳۹۳) «حقوق بشر: ابزار نرم مداخله گری آمریکا و اتحادیه اروپا»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، ش ۱۸.
- دفتر سازمان ملل متحد کابل، (۷ نوامبر ۲۰۱۷) گزارش حملات بالای عبادتگاه‌ها، رهبران دینی و نمازگزاران.
- دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان، (فبروری ۲۰۱۷) گزارش تلفات ملکی در سال ۲۰۱۶.
- رضایی، مبارک و مبارک معتمدی (۱۳۹۵) وضعیت حقوق بشر در افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- رنجبریان، امیر حسین (۱۳۸۴)، «جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین‌الملل معاصر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۰.
- علامه، غلام حیدر (۱۳۸۰)، «جانیان بشریت در افغانستان و کابوس محاکمه بین‌المللی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۲۱ و ۲۲.

- قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۱)، «حضور نظامی آمریکا در افغانستان، موانع و چشم‌اندازها»، مطالعات دفاعی و امنیتی، ش ۳۲.
- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تلفات ملکی و قتل‌های هدفمند در سال ۱۳۹۲.
- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش تلفات ملکی در شش ماه نخست ۱۳۹۱.
- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش تلفات افراد ملکی در افغانستان در سال ۱۳۹۴.
- گرهارد ورله (۱۳۸۷)، «جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»، ترجمه امیر ساعد وکیل، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۵، ش ۳۹.
- سرافراز، محمد، (۱۳۹۰) جنبش طالبان از ظهور تا افول، ج ۱، تهران: انتشارات سروش.
- مناقبی، محمد تقی (۱۳۸۸) «اقلیت‌ها و نقض حقوق بشر در افغانستان»، مجله سفیر نور، ش ۱۲.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۵)، «دادگاه کیفری بین‌المللی»، ج ۹، انتشارات داد گستر.
- مستقیمی، بهرام (۱۳۹۰)، «نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دور ۴۱، ش ۱.
- پل‌هافمن (۱۳۸۵)، «حقوق بشر و تروریسم» ترجمه علیرضا ابراهیم گل، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۴.

منابع خارجی

- The Office of the Prosecutor of the International Criminal Court, Report on Preliminary Examination Activities ۲۰۱۵.
- United Nations Assistance Mission in Afghanistan, Report of the Secretary-General: The situation in Afghanistan and its implications for international peace and security, ۲۱ Sep ۲۰۱۷.
- The Office of the Prosecutor of the International Criminal Court, Report on Preliminary Examination Activities ۲۰۱۶.
- The Afghanistan Justice Project, War Crimes and Crimes against Humanity: ۱۹۷۸-۲۰۰۱.
- Amnesty International, Memorandum on the rights of people in US custody in Afghanistan and Guantanamo Bay, April ۲۰۰۲.

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۸۲ ماده ۵۸.
- کد جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶.

سایت‌های اینترنتی

- <http://parstoday.com/fa/asia-i۲۲۰۸۷>
- <http://www.yjc.ir/fa/news/۵۵۸۵۵۷۵>
- <http://www.ufuqnews.com/archives/۴۵۵۷۶>
- <http://www.afghanirca.com/newsIn.php?id=۱۳۹۱/۹/۱۲۳۶۴,۱۵>
- <http://islamtimes.org/fa/doc/news//۳۵۳۴۶>
- <http://presstv.com/DetailFa/۴۹۱۶۳۱/۰۱/۱۱/۲۰۱۶/ICC-US-Afghanistan-crimes>

